Rural Development Strategies
Homepage: https://rdsj.torbath.ac.ir
Vol. 13, No. 1, 2026, p. 63-83

Assessment of Food Security Challenges among Rural Paddy-Farming Households (Case Study: Sangar District, Rasht County)

Samira Farivar[1] and Mohammad Kavoosi Kalashami[1*]

1- Department of Agricultural Economics, Faculty of Agricultural Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran

A R T I C L E INFO
Article type:
Research Article
Article history:
Submitted: 7 July 2025
Revised: 5 September 2026
Accepted: 20 September 2026
Available Online: 25 September 2026

Keywords:
Step-Wise Weight Assessment Ratio Analysis (SWARA)
Interval of Standard Deviation from Mean (ISDM)
Stratified random sampling
Food security
Paddy farming.

A B S T R A C T
Food security among rural households of paddy farmers is a multidimensional phenomenon influenced by economic, nutritional, institutional, social, and environmental factors. This study was conducted in 2025–2026 with the aim of identifying and prioritizing the challenges affecting food security from the perspective of paddy-farming households in the Sangar District of Rasht County, using a descriptive–analytical approach. The statistical population consisted of 15,122 rural households residing in the Sangar District of Rasht County, of which 12,525 paddy-farming households were considered the target population. Using a stratified random sampling method with proportional allocation (based on rural strata), data were collected from 313 paddy-farming households. The data collection instrument was a researcher-made questionnaire based on the theoretical literature on food security, whose content validity was confirmed by experts in rural development and agricultural planning. Given that the questionnaire items were not multidimensional in nature and were solely designed to measure the intensity of challenges, Cronbach's alpha was not considered appropriate for reliability assessment. To weight the challenges, the SWARA technique was used, and for classifying the intensity of impacts, the ISDM approach was applied. The results indicated that the economic component, with a weight of 24.12%, was the most important challenge to food security, followed by nutritional-health (20.39%), policy-infrastructural (18.73%), socio-cultural (18.55%), and environmental (18.22%) components. At the sub-criteria level, reduced access to animal proteins and fruits and vegetables, climate change, water resource scarcity, soil erosion, and weaknesses in transport and irrigation infrastructure were identified as having a "very high" level of impact intensity. In contrast, rural migration, administrative corruption, and declining social cohesion were placed in the "very low" impact intensity level. Based on the findings, strengthening local healthy food production, improving agricultural infrastructure, and revising supportive policies such as rice pricing, import tariffs, and paddy farmer insurance are recommended.

Cite this Article:
Farivar, S., and Kavoosi Kalashami, M. (2026). Assessment of Food Security Challenges among Rural Paddy-Farming Households (Case Study: Sangar District, Rasht County). *Rural Development Strategies, 13*(1): 63-83. https://doi.org/10.22048/rdsj.2026.532909.2244.

Corresponding author email: mkavoosi@guilan.ac.ir

Print ISSN: 2383-2657 Online ISSN: 2383-1995
https://doi.org/10.22048/rdsj.2026.532909.2244

© 2026, University of Torbat Heydarieh. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC BY 4.0).

فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی
جلد۱۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵ ص. ۸۳-۶۳
Homepage: https://rdsj.torbath.ac.ir

ارزیابی چالش‌های امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار (مورد مطالعه: بخش سنگر، شهرستان رشت)

سمیرا فریور[۱] و محمد کاوسی کلاشمی[۱*]

۱- گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده علوم کشاورزی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۶ تیر ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری: ۱۴ شهریور ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

تحلیل نسبت ارزیابی وزن‌دهی تدریجی (SWARA)
فاصله انحراف معیار از میانگین (ISDM)
نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای
امنیت غذایی
شالیکاری.

چکیده

امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل اقتصادی، تغذیه‌ای، نهادی، اجتماعی و محیطی قرار دارد. این پژوهش در سال ۱۴۰۴ با هدف شناسایی و اولویت‌بندی چالش‌های مؤثر بر امنیت غذایی از دیدگاه خانوارهای شالیکار در بخش سنگر شهرستان رشت و با رویکرد توصیفی–تحلیلی انجام شد. جامعه آماری شامل ۱۵۱۲۲ خانوار روستایی ساکن در بخش سنگر شهرستان رشت بود که از میان آن‌ها ۱۲۵۲۵ خانوار بهره‌بردار شالیکار به‌عنوان جامعه هدف در نظر گرفته شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با تخصیص متناسب (بر حسب طبقات روستایی)، داده‌های ۳۱۳ خانوار شالیکار گردآوری شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق‌ساخته مبتنی بر ادبیات نظری امنیت غذایی بود که روایی محتوایی آن توسط خبرگان حوزه توسعه روستایی و برنامه‌ریزی کشاورزی تأیید شد. با توجه به این‌که گویه‌های پرسشنامه ماهیت چندبُعدی نداشتند و صرفاً برای سنجش شدت اثر چالش‌ها طراحی شده بودند، استفاده از آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی مناسب تشخیص داده نشد. برای وزن‌دهی چالش‌ها از تکنیک SWARAو برای طبقه‌بندی شدت اثرگذاری از رهیافت ISDM استفاده شد. نتایج نشان داد مؤلفه اقتصادی با وزن نسبی ۲۴/۱۲ درصد مهم‌ترین چالش امنیت غذایی است و پس از آن مؤلفه‌های بهداشتی–تغذیه‌ای (۲۰/۳۹ درصد)، سیاست‌گذاری–زیرساختی (۱۸/۷۳ درصد)، فرهنگی–اجتماعی (۱۸/۵۵ درصد) و محیطی (۱۸/۲۲ درصد) قرار دارند. در سطح زیرمعیارها، کاهش دسترسی به پروتئین‌های حیوانی و میوه و سبزیجات، تغییر اقلیم، کمبود منابع آب، فرسایش خاک و ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل و آبیاری در سطح «شدت اثرگذاری خیلی زیاد » شناسایی شدند. در مقابل، مهاجرت روستایی، فساد اداری و کاهش همبستگی اجتماعی در سطح «شدت اثرگذاری خیلی کم» قرار گرفتند. بر اساس نتایج، تقویت تولید غذای سالم محلی، بهبود زیرساخت‌های کشاورزی و بازنگری در سیاست‌های حمایتی از جمله قیمت‌گذاری برنج، تعرفه واردات و بیمه شالیکاران پیشنهاد می‌شود.

نحوه ارجاع دهی به مقاله: فریور، س.، و کاوسی کلاشمی، م.، (۱۴۰۵). ارزیابی چالش‌های امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار (مورد مطالعه: بخش سنگر، شهرستان رشت). راهبردهای توسعه روستایی، ۱۳(۱)، ۸۳-۶۳. https://doi.org/10.22048/rdsj.2026.532909.2244

نویسندهٔ مسئول: mkavoosi@guilan.ac.ir

شاپا چاپی: ۲۳۸۳-۲۶۵۷ شاپا الکترونیکی: ۱۹۹۵-۲۳۸۳
https://doi.org/10.22048/rdsj.2026.532909.2244

حقوق مولفین به نویسندگان و حقوق ناشر به انتشارات دانشگاه تربت حیدریه داده شده است. این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License) در دسترس شما قرار گرفته است. برای جزئیات این لیسانس، از آدرس https://creativecommons.org/licenses/by/4.0 دیدن فرمائید.

مقدمه

طبق گزارش سازمان جهانی غذا و کشاورزی (۲۰۲۴)، بیش از ۷۳۵ میلیون نفر در سال ۲۰۲۲ با گرسنگی روبه‌رو بودند. این بحران جهانی تأثیر قابل توجهی بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی در کشورهای در حال توسعه دارد.از بین بردن ریشه‌ایِ فقر مطلق و گرسنگی در جهان جزء اهداف اصلی در دو برنامه‌ی اهداف توسعه‌ی هزاره[1] (MDGs) و اهداف توسعه‌ی پایدار[2] (SDGs) سازمان ملل متحد است (گلابی‌فر و همکاران، ۱۴۰۲؛ لونوفنا و ایوانز[3]، ۲۰۱۴).در این راستا، برنامه‌های جامع و گسترده‌ای جهت بررسی امنیت غذایی در سطوح مختلف جغرافیایی، سیاست‌گذاری و طراحی مشوق‌های لازم، شناسایی چالش‌های امنیت غذایی و راهکارهای برون‌رفت از آن، توسط کشورهای مختلف در حال اجرا می‌باشد. یکی از تعاریف رایج امنیت غذایی، تعریفی است که در اجلاس جهانی غذا (۱۹۹۶) ارائه شد. بر این اساس، یک جامعه زمانی دارای امنیت غذایی است که همه‌ی مردم آن (با دارا بودن ترجیحات غذایی متفاوت)، در تأمین نیازهای غذایی اساسی خود جهت داشتن یک زندگی سالم و فعال، در تمامی اوقات به غذای کافی و سالم، دسترسی اجتماعی، فیزیکی و اقتصادی داشته باشند (فخفوری و همکاران، ۱۴۰۳؛ بالا و همکاران[4]، ۲۰۱۴). افزون بر این، برای دستیابی به امنیت تغذیه‌ای، باید دسترسی به آب پاک و بهداشت مناسب نیز در نظر گرفته شود (پینسترپ–آندرسن[5]، ۲۰۰۹). اگرچه امنیت غذایی و سامانه‌های مربوط به آن، عناصر متعددی دارند، اما برای اکثر ساکنان کشورهای در حال توسعه و کم‌تر توسعه‌یافته، به‌ویژه در مناطق روستایی، امنیت غذایی به دسترسی فیزیکی، اقتصادی و پایدار به غذا محدود می‌باشد (گروس و همکاران[6]، ۲۰۰۰). در ایران، امنیت غذایی همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌های توسعه و پیشرفت مورد توجه قرار گرفته است. برقراری رفاه، رفع فقر، توجه به تغذیه و نیازهای اساسی ایرانیان در اصل‌های ۳، ۲۹ و ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید می‌باشد. امنیت غذایی پایدار جزء سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ بوده و در بندهای ۶ و ۱۱ سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳ تا ۱۴۰۷) مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین، فصل هفتم این سند بالادستی (امنیت غذایی و ارتقای تولید محصولات کشاورزی) به‌طور مستقیم مرتبط با امنیت غذایی پایدار ایرانیان و تأمین غذای سالم و باکیفیت برای آحاد جامعه می‌باشد. طی سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ میلادی، ۶/۱ درصد از ایرانیان دچار سوءتغذیه بودند و ایران در بین کشورهای دارای سوءتغذیه، رتبه ۹۰ را کسب کرد که بهبود ۱۲ پله‌ای نسبت به دوره ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ میلادی را نشان می‌دهد (سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد[7]، ۲۰۲۴). در سال‌های اخیر، کاهش رفاه خانوارهای روستایی سبب شده است که سبد غذایی آنها عمدتاً به نان و غلات محدود شود. (توکلی و کرباسی، ۱۴۰۴). تنوع غذایی در خانوارهای روستایی ایران نیز با چالش‌هایی همراه است؛ به‌طوری‌که یافته‌های میدانی حاکی از آن است که در برخی مناطق، بیش از ۴۰ درصد خانوارهای روستایی کم‌تر از چهار تا شش گروه غذایی را در الگوی تغذیه خود دارند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۲). شدت ناامنی غذایی در مناطق روستایی ایران به‌طور قابل توجهی از نواحی شهری بیش‌تر است. بررسی‌ها نشان داد که ۸۰ درصد روستاییان در ایران از ناامنی غذایی رنج می‌برند که در این بین ، ۲۵ درصد دارای ناامنی غذایی کم، ۴۲ درصد دارای ناامنی غذایی متوسط و

1- Millennium Development Goals
2- Sustainable Development Goals
3- Leunufna & Evans
4- Bala
5- Pinstrup-Andersen
6- Gross
7- Food and Agriculture Organization of the United Nations

۱۳ درصد دچار ناامنی غذایی شدید می‌باشند (احمدی دهرشید و همکاران[1]، ۲۰۲۱). از این رو، پژوهش در حوزه امنیت غذایی مناطق روستایی همواره مورد تأکید سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان است. با این‌وجود، نگرانی‌ها در مورد امنیت غذایی همچنان ادامه دارد. چالش‌هایی همانند افزایش گرسنگی در سطح جهان، نبود تعادل در خوراک روزانه افراد، از بین رفتن منابع طبیعی و محیط‌زیست، و اثر گسترش جنگ‌ها و تنش‌های منطقه‌ای بر امنیت غذایی موجب شده است تا موضوع امنیت غذایی همواره به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم جوامع بشری مطرح باشد (هاشمی تبار و همکاران، ۱۳۹۷). تغییر اقلیم، تغییر سبک زندگی، توسعه‌نیافتگی و شکاف‌های گسترده برخورداری در مناطق روستایی، شدت چالش امنیت غذایی در این مناطق را تشدید کرده است. تشدید سوءتغذیه، نبود ثبات و پایداری در عرضه محصولات غذایی و کشاورزی، ضعف در حمل‌ونقل، نگهداری و ذخیره‌سازی مواد غذایی، تغییر مداوم سیاست‌های مرتبط با واردات مواد غذایی، قیمت‌گذاری دستوری مواد غذایی بدون مشارکت ذی‌نفعان زنجیره‌های تأمین، پایین‌بودن دسترسی قشرهای آسیب‌پذیر و دهک‌های پایین درآمدی (اول تا هفتم) به پروتئین حیوانی توصیه‌شده در رژیم غذایی مطلوب، مصرف کم سبزیجات و انواع میوه در بین ایرانیان، تنوع پایین رژیم غذایی خانوارهای ایرانی و نقش پررنگ غلات در تأمین کالری روزانه، کیفیت پایین انواع مواد غذایی به‌ویژه نان، تشدید ناهمگنی در رفاه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی، جهش قیمت مواد غذایی و عدم افزایش متناسب درآمد خانوارهای ایرانی، و نبود توجه به دسترسی متوازن منطقه‌ای به غذا در بین خانوارهای شهری و روستایی، از جمله چالش‌های کلی امنیت غذایی در ایران است که توجه به این چالش‌ها در بین اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه روستاییان، و شناسایی و اولویت‌بندی آن‌ها را ضروری ساخته است (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۲).

پژوهش‌های داخلی و خارجی متعددی، با اتکا به الگوی چهاربعدی امنیت غذایی فائو (دسترس‌پذیری، دسترسی، مصرف و ثبات)، به بررسی امنیت غذایی در مناطق روستایی مختلف پرداخته و بر تفاوت‌های منطقه‌ای در ماهیت و شدت چالش‌های امنیت غذایی تأکید کرده‌اند. بیاناتی و همکاران (۱۴۰۱)، به بررسی سطح امنیت غذایی و چالش‌های آن در بین خانوارهای روستایی در شهرستان بهار واقع در استان همدان پرداختند. نتایج نشان داد که ۵۱/۸ درصد جامعه مورد مطالعه در وضعیت امن غذایی و ۴۸/۲ درصد در وضعیت ناامنی غذایی می‌باشند. سنجش امنیت غذایی خانوارهای روستایی براساس مناطق پنج‌گانه جغرافیایی (شمال، جنوب، مرکز، غرب و شرق شهرستان) نشان داد که امنیت غذایی در بخش مرکزی بالاترین مقدار و در پهنه جغرافیایی غرب، پایین‌ترین مقدار را دارا است. ناامنی غذایی به‌همراه گرسنگی شدید در روستاهای غرب نسبت به مناطق مرکزی بیش‌تر است. از مهم‌ترین چالش‌های امنیت غذایی شناسایی‌شده می‌توان به چالش‌های اقتصادی، نظیر سطح درآمد، وابستگی به درآمد کشاورزی، و توزیع ناعادلانه منابع، چالش‌های اجتماعی مانند تعداد افراد تحت تکفل، فاصله روستاها از مراکز شهری، و شرایط جغرافیایی و همین‌طور چالش‌های محیطی مانند تخریب منابع طبیعی و کمبود زمین‌های زراعی اشاره کرد. رزم‌آور و همکاران (۱۴۰۱)، به بررسی چالش‌های امنیت غذایی خانوارهای روستایی دو شهرستان دشتستان و تنگستان پرداختند. برای شناسایی چالش‌های امنیت غذایی از تحلیل عاملی[2] استفاده شد و این چالش‌ها در شش گروه اصلی شامل چالش‌های کشاورزی و زیست‌محیطی، چالش‌های اقتصادی، چالش‌های اجتماعی، ضعف در زیرساخت‌های حمایتی، افزایش قیمت مواد غذایی و ضعف سیستم حمایت از بخش کشاورزی دسته‌بندی شدند. یاوری و اطهری (۱۴۰۲)، به بررسی چالش‌های امنیت غذایی در خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه

1- Ahmadi Dehrashid

2- Factor Analysis

پرداختند.. یافته‌ها نشان داد که اولین و مهم‌ترین چالش امنیت غذایی، مشکلات مالی و اعتباری است که تأثیر زیادی بر وضعیت اقتصادی خانوارهای روستایی دارد. دومین چالش عمده، ضعف در سامانه مدیریتی و سیاست‌گذاری‌ها در سطح محلی و ملی است که مانع از ارتقاء امنیت غذایی می‌شود. سومین چالش، مسائل فرهنگی و اجتماعی است که در تعامل با مسائل اقتصادی و کشاورزی، تأثیرگذاری خاص خود را دارند. چالش‌های مربوط به پیچیدگی ماهیت کشاورزی و شرایط زیست‌محیطی در روستاها نیز کم‌ترین فراوانی را داشته است. سواری و غنیان (۱۳۹۸)، به بررسی چالش‌ها و راهبردهای بهبود امنیت غذایی در خانوارهای روستایی ایران پرداختند. یافته‌ها نشان داد که ضعف نظام‌های حمایتی کشاورزی یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیت غذایی در مناطق روستایی است. همچنین، افزایش قیمت مواد غذایی، که به کاهش قدرت خرید خانوارهای آسیب‌پذیر منجر می‌شود. تغییرات اقلیمی و زیست‌محیطی نیز با کاهش تولید محصولات کشاورزی و آسیب به منابع طبیعی، تأثیر منفی بر امنیت غذایی داشته است. از سوی دیگر، توسعه‌نیافتگی جوامع روستایی و نبود دسترسی کافی به فناوری‌های نوین و بازارهای فروش، به‌عنوان چالش‌هایی ساختاری مطرح شده‌اند. جمینی و همکاران (۱۳۹۶)، چالش‌های امنیت غذایی در مناطق روستایی شهرستان روانسر را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که پنج چالش اصلی امنیت غذایی شامل ضعف سیاست‌گذاری، شرایط اقتصادی نامطلوب، مخاطرات محیطی، موانع فرهنگی و اجتماعی، و ناپایداری کشاورزی است که به‌صورت زنجیره‌ای به‌هم مرتبط می‌باشند. آدئوتی و همکاران[1] (۲۰۲۴)، به بررسی نقش چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی بر تأمین امنیت غذایی در نیجریه پرداختند. میانگین وزنی نظر پاسخ‌دهندگان نشان داد که فقر شدید، فساد اداری، زیرساخت‌های ضعیف، تأثیر منفی درگیری‌ها بر کشاورزی و امنیت غذایی به عنوان چالش های اصلی امنیت غذایی در نیجریه می‌باشند. اشمیت و موکرجی[2] (۲۰۲۴)، وضعیت معیشت، چالش‌ها و مشکلات امنیت غذایی و روندهای تغذیه را در جوامع روستایی پاپوآ گینه نو مورد بررسی قرار دادند. بررسی ها نشان داد که روستاهایی که بارندگی بیش‌تری دارند یا در ارتفاعات بالاتر قرار دارند، با چالش‌های بیش‌تری در زمینه تأمین امنیت غذایی و بهبود وضعیت معیشت مواجه می‌باشند. مشکلاتی مانند دسترسی محدود به منابع کشاورزی و بازارها، کمبود زیرساخت‌های لازم و نوسانات اقلیمی، تأثیر زیادی بر امنیت غذایی خانوارها دارند. الگوهای تغذیه‌ای در مناطق مختلف بسیار متفاوت بوده و در بسیاری از موارد به دلیل کمبود منابع و درآمد پایین، تنوع غذایی به میزان زیادی کاهش یافته است. عبدالولیو و همکاران[3] (۲۰۲۳)، چالش‌های امنیتی در کشور نیجریه و تأثیر آن‌ها بر تولید مواد غذایی، امنیت غذایی، گرسنگی و سوء تغذیه را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که چالش‌های امنیت غذایی در نیجریه شامل ناامنی و خشونت ،بیکاری و فقر ، همه‌گیری کرونا و افزایش جمعیت است. در سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۳)، وضعیت امنیت غذایی جهانی و عوامل مؤثر بر آن مورد تحلیل و بررسی قرارگرفتند. موارد زیر به عنوان مهم‌ترین چالش‌های امنیت غذایی عنوان شده‌اند: تأثیرات جنگ اوکراین که باعث ایجاد اختلال در زنجیره تأمین مواد غذایی و افزایش قیمت‌ها شد . بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ تشدید فقر و گرسنگی به دلیل رکود اقتصادی و از دست دادن شغل‌ها را در پی داشته است. درگیری‌های منطقه‌ای و جهانی، به همراه تغییرات آب و هوایی که تأثیر مستقیمی بر تولید کشاورزی، منابع طبیعی، کاهش منابع آب، و افزایش خطر خشکسالی دارد. کاهش دسترسی اقتصادی خانوارها به مواد غذایی و شهرنشینی نیز به عنوان

1- Adeoti

2- Schmidt & Mukerjee

3- Abdulwaliyua

دیگر عوامل اثرگذار عنوان شدند. با وجود انجام مطالعات متعدد در زمینه امنیت غذایی در سطح ملی و استانی، بررسی نظام‌مند چالش‌های چندبُعدی امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار در سطح خرد و با تمرکز بر بخش سنگر شهرستان رشت کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. بخش عمده پژوهش‌های پیشین یا صرفاً وضعیت امنیت غذایی را با استفاده از شاخص‌های دسترسی و مصرف سنجیده‌اند و یا به‌صورت کلی به عوامل اقتصادی و محیطی اشاره کرده‌اند، بدون آن‌که وزن نسبی و شدت اثرگذاری هر یک از چالش‌ها از منظر خود خانوارهای شالیکار تعیین شود. از این‌رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که «مهم‌ترین چالش‌های تهدیدکننده امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار بخش سنگر کدام‌اند و هر یک تا چه اندازه از دید این خانوارها بر امنیت غذایی آن‌ها اثر می‌گذارد؟». این پژوهش می‌کوشد با بهره‌گیری از تحلیل نسبت ارزیابی وزن‌دهی تدریجی[1] (SWARA) و رهیافت فاصله انحراف معیار از میانگین[2] (ISDM)، پاسخی مبتنی بر شواهد برای این پرسش فراهم آورد و مبنایی برای طراحی مداخلات سیاستی هدفمند در سطح محلی فراهم سازد.

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر رویکرد کمی است. هدف اصلی پژوهش، شناسایی، وزن‌دهی و طبقه‌بندی شدت اثرگذاری چالش‌های امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار با استفاده از رویکردهای تصمیم‌گیری چندمعیاره است. چارچوب مفهومی پژوهش بر پایه ادبیات نظری امنیت غذایی و رویکردهای تصمیم‌گیری چندمعیاره طراحی شد و تحلیل‌ها در چارچوب یک درخت تصمیم انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه خانوارهای روستایی ساکن در بخش سنگر، شهرستان رشت می‌باشد. بر اساس آمار اخذشده از سازمان جهاد کشاورزی، در مجموع ۱۵۱۲۲ خانوار روستایی در بخش سنگر سکونت دارند که از این میان، ۱۲۵۲۵ خانوار بهره‌بردار شالیکار به‌عنوان جامعه آماری اصلی پژوهش در نظر گرفته شدند.با توجه به گستره جغرافیایی بخش سنگر و پراکندگی روستاها، نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی بر اساس روستا انجام شد. در این مطالعه، هر یک از روستاهای آینه‌ور، پیشکنار، دهبنه، سراوان، سروندان، سکاچاء، سنگر، شهرستان و قاضیان به‌عنوان یک طبقه مکانی در نظر گرفته شد. به‌منظور توصیف ترکیب نمونه پژوهش، جدول زیر (جدول ۱) توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را بر حسب روستا نشان می‌دهد. در این جدول، تعداد افراد هر طبقه (فراوانی مطلق) و سهم نسبی آن‌ها از کل نمونه (درصد فراوانی) ارائه شده است. این اطلاعات، تصویری روشن از پراکندگی مکانی نمونه و سهم هر طبقه در پژوهش فراهم می‌کند و مبنایی برای تحلیل‌های بعدی به شمار می‌رود.

بررسی این شاخص‌ها نشان می‌دهد که بیش‌ترین حجم نمونه به روستای قاضیان و شهرستان اختصاص دارد، همینطور روستاهای با حجم نمونه پایین به‌صورت مستقل گزارش نشده و در طبقه «سایر روستاها» ادغام شده‌اند. این توزیع بیانگر پراکندگی مکانی پاسخ‌گویان و میزان مشارکت هر طبقه در پژوهش حاضر می‌باشد.حجم نمونه با استفاده از رابطه کوکران، با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای مجاز ۵ درصد محاسبه شد که در نهایت، ۳۱۳ خانوار شالیکار به‌عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود که بر مبنای چارچوب‌های نظری امنیت غذایی و با اتکا به نتایج پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی طراحی شد. در این راستا، معیارهای پژوهش بر اساس مرور نظام‌مند مطالعات استخراج و در قالب چهار دسته اصلی طبقه‌بندی شدند.

1- Step-Wise Weight Assessment Ratio Analysis
2- Interval of Standard Deviation from Mean

جدول ۱- توزیع فراوانی اعضای نمونه بر حسب روستا
Frequency distribution of sample size by village.Table 1

روستا	فراوانی (نفر)	درصد فراوانی
آینه‌ور	۱۵	۴/۷۹
پیشکنار	۱۶	۵/۱۱
دهبنه	۲۶	۸/۳۱
سکاچاء	۱۵	۴/۷۹
سنگر	۳۶	۱۱/۵
شهرستان	۸۶	۲۷/۴۸
قاضیان	۱۰۵	۳۳/۵۵
سایر روستاها	۱۴	۴/۴۷
جمع	۳۱۳	۱۰۰

معیار اقتصادی بر اساس پژوهش‌های بیاناتی و همکاران (۱۴۰۱)، رزم آور و همکاران (۱۴۰۰)، یاوری و اطهری (۱۴۰۰)، سواری و غنیان (۱۳۹۸)، آدئوتی و همکاران (۲۰۲۴)، اشمیت و موکرجی (۲۰۲۴)، عبدالولیو و همکاران (۲۰۲۳)، سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۳)، و جمینی و همکاران (۱۳۹۸) تدوین شد. معیار فرهنگی–اجتماعی بر پایه مطالعات بیاناتی و همکاران (۱۴۰۱)، یاوری و اطهری (۱۴۰۰)، جمینی و همکاران (۱۳۹۶)، آدئوتی و همکاران (۲۰۲۴)، اشمیت و موکرجی (۲۰۲۴)، عبدالولیو و همکاران (۲۰۲۳)، و سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۳) شکل گرفت. معیار محیطی از پژوهش‌های بیاناتی و همکاران (۱۴۰۱)، سواری و غنیان (۱۳۹۸)، جمینی و همکاران (۱۳۹۶)، اشمیت و موکرجی (۲۰۲۴)، سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۳)، یاوری و اطهری (۱۴۰۰)، و عبدالولیو و همکاران (۲۰۲۳) استخراج شد. معیار سیاست‌گذاری و زیرساخت‌ها نیز بر اساس مطالعات رزم آور و همکاران (۱۴۰۰)، یاوری و اطهری (۱۴۰۰)، سواری و غنیان (۱۳۹۸)، جمینی و همکاران (۱۳۹۶)، آدئوتی و همکاران (۲۰۲۴)، و اشمیت و موکرجی (۲۰۲۴) تدوین گردید. این پرسش‌نامه شامل دو بخش اصلی بود: بخش اول اطلاعات جمعیت‌شناختی و اقتصادی خانوارها شامل سن، سطح تحصیلات، اندازه خانوار، تعداد فرزندان، تجربه شالیکاری، درآمد و مخارج ماهانه.بخش دوم شامل ۴۳ گویه برای سنجش ابعاد مختلف چالش‌های امنیت غذایی.گویه‌های بخش دوم پنج گروه اصلی چالش‌ها را پوشش می‌دادند: ۱. چالش‌های اقتصادی ۲. چالش‌های بهداشتی –تغذیه‌ای ۳.چالش‌های سیاست‌گذاری و زیرساختی ۴.چالش‌های فرهنگی – اجتماعی ۵. چالش‌های محیطی. پاسخ‌دهندگان شدت اثرگذاری هر گویه بر امنیت غذایی خانوار خود را در قالب یک طیف شدت از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» ارزیابی کردند. فرآیند گردآوری داده‌ها به‌صورت میدانی و حضوری انجام شد. در مرحله اجرا، با مراجعه حضوری به روستاهای مورد مطالعه، پرسش‌نامه‌ها بین سرپرستان خانوارهای شالیکار توزیع شد. در صورتی که سرپرست خانوار تمایلی به پاسخ‌گویی نداشت، خانوار دیگری در همان روستا به‌صورت تصادفی جایگزین شد تا حجم نمونه پیش‌بینی‌شده تکمیل گردد. فرآیند گردآوری داده‌ها طی ۴۵ روز و از ابتدای فروردین تا پایان اردیبهشت ۱۴۰۴ انجام شد. در مجموع، ۳۱۳ پرسش‌نامه کامل و قابل استفاده گردآوری شد. در مراحل تدوین پرسش‌نامه، فهرست اولیه گویه‌ها بر اساس جمع‌بندی ادبیات

نظری و یافته‌های مطالعات داخلی و بین‌المللی تنظیم شد. سپس این فهرست در چندین مرحله با مشارکت استاد راهنما و ۱۰ نفر از خبرگان و اعضای هیئت علمی حوزه توسعه روستایی و برنامه‌ریزی کشاورزی بازنگری شد. در این فرآیند، گویه‌های مشابه یا مبهم ادغام، ساده‌سازی یا حذف گردید تا شفافیت مفهومی و تناسب آن‌ها با هدف پژوهش تأمین شود. بدین ترتیب، روایی محتوایی پرسش‌نامه به‌صورت قضاوتی و بر اساس نظر خبرگان تأیید شد.با توجه به ماهیت پرسش‌نامه حاضر که بر سنجش شدت ادراک‌شده اثرگذاری هر چالش به‌صورت منفرد تمرکز دارد و گویه‌ها به‌جای تشکیل یک مقیاس بازتابی چندبُعدی، مجموعه‌ای از شاخص‌های تصمیم‌گیری را شامل می‌شوند، استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به‌عنوان شاخص پایایی درونی چندان معنادار تشخیص داده نشد. از این‌رو، عدم محاسبه شاخص کمی پایایی به‌عنوان یکی از محدودیت‌های روش‌شناختی پژوهش در نظر گرفته شد و تمرکز اصلی بر روایی محتوایی، شفافیت مفهومی گویه‌ها و هم‌خوانی آن‌ها با درخت تصمیم نهایی قرار گرفت. برای ساختاردهی مسئله و تصویرسازی روابط میان ابعاد و زیرمعیارهای چالش‌های امنیت غذایی، یک درخت تصمیم طراحی شد. در سطح اول درخت، پنج گروه اصلی چالش‌ها قرار گرفتند و در سطوح بعدی، زیرمعیارهای هر گروه بر اساس شواهد ادبیات و یافته‌های میدانی شاخه‌بندی شدند. زیرمعیارهای تکراری یا بسیار نزدیک به یکدیگر حذف یا ادغام شدند و فهرست نهایی به‌صورت نظام‌مند و بر اساس حروف الفبا در هر گروه تنظیم شد. این درخت تصمیم مبنای تنظیم گویه‌های پرسش‌نامه و چارچوب تحلیل تصمیم‌گیری در پژوهش حاضر را تشکیل داد. درخت تصمیم در (شکل۱) نمایش داده شده است. برای تعیین وزن نسبی و رتبه اهمیت معیارها و زیرمعیارهای درخت تصمیم، از تکنیک تصمیم‌گیری چندمعیاره «تحلیل نسبت ارزیابی وزن‌دهی تدریجی» (SWARA) استفاده شد. ۱. شناسایی و گردآوری اولیه چالش‌های امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار بر اساس منابع نظری و میدانی. ۲. گزینش چالش‌ها براساس نظر ده نفراز خبرگان حوزه توسعه روستایی و برنامه‌ریزی کشاورزی ۳. جمع‌آوری نظر شالیکاران نمونه درباره اولویت چالش‌های امنیت غذایی با استفاده از پرسش‌نامه. ۴. محاسبه اهمیت نسبی مقدار متوسط برای هر چالش براساس نظر شالیکاران نمونه. ۵. محاسبه ضریب هر چالش امنیت غذایی با توجه به مقدار تعیین شده برای اهمیت نسبی مقدار متوسط آن. ۶. تعیین وزن دوباره محاسبه شده برای هر چالش امنیت غذایی. ۷. محاسبه وزن نسبی هر چالش امنیت غذایی ودر پایان، وزن‌های محاسبه‌شده نرمال‌سازی می‌شوند تا مجموع آن‌ها برابر با یک گردد (کِرشولینه و همکاران[1]، ۲۰۱۰). مراحل روش SWARA در (شکل ۲) نمایش داده شده است . مراحل محاسبه وزن‌ها در چارچوب تکنیک SWARA در این پژوهش به‌صورت زیر انجام شد. ابتدا برای مهم‌ترین زیرمعیار در هر گروه، مقدار اهمیت نسبی برابر با $s_1 = 0$ در نظر گرفته شد. برای سایر زیرمعیارها ($j = 2,\ldots, n$)، مقدار اهمیت نسبی s_j به‌صورت میانگین قضاوت پاسخ‌گویان درباره اهمیت زیرمعیار j نسبت به زیرمعیار قبلی تعیین گردید. سپس ضریب تعدیل برای هر زیرمعیار از رابطه (۱) یعنی $kj = sj + 1$ محاسبه شد. وزن دوباره‌محاسبه‌شده هرزیرمعیار نیز به‌صورت بازگشتی و با استفاده از روابط به‌دست آمد. در نهایت، برای نرمال‌سازی وزن‌ها و تضمین این‌که جمع آن‌ها برابر یک باشد، وزن نسبی نهایی هر زیرمعیار از رابطه زیر محاسبه گردید.

1- Keršulienė

$$w_1 = 1 \quad (۲)$$

$$w_j = w(j-1) \quad (۳)$$

$$q_j = w_j / \Sigma w_k \qquad (\text{از } k=1 \text{ تا } n) \quad (۴)$$

در گام بعد، برای طبقه‌بندی شدت اثرگذاری چالش‌ها، از رهیافت «فاصله انحراف معیار از میانگین» (ISDM) استفاده شد. در این رهیافت، پس از محاسبه میانگین و انحراف معیار وزن‌های نهایی زیرمعیارها، حدود برشی برای چهار سطح «خیلی زیاد»، «زیاد»، «کم» و «خیلی کم» تعریف شد و هر چالش متناسب با فاصله وزن نهایی آن از میانگین، در یکی از این طبقات قرار گرفت. این طبقه‌بندی امکان مقایسه نظام‌مند شدت اثرگذاری هر چالش بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی را فراهم ساخت و مبنایی برای تحلیل و پیشنهادهای سیاستی فراهم آورد. به‌طور مشخص، پس از محاسبه میانگین (Mean) و انحراف معیار (sd) وزن‌های نهایی، چالش‌ها در چهار سطح شدت اثرگذاری به شکل زیر طبقه‌بندی شدند:

$A < Mean - sd$ خیلی کم (۵)

$Mean - sd < B < Mean$ کم (۶)

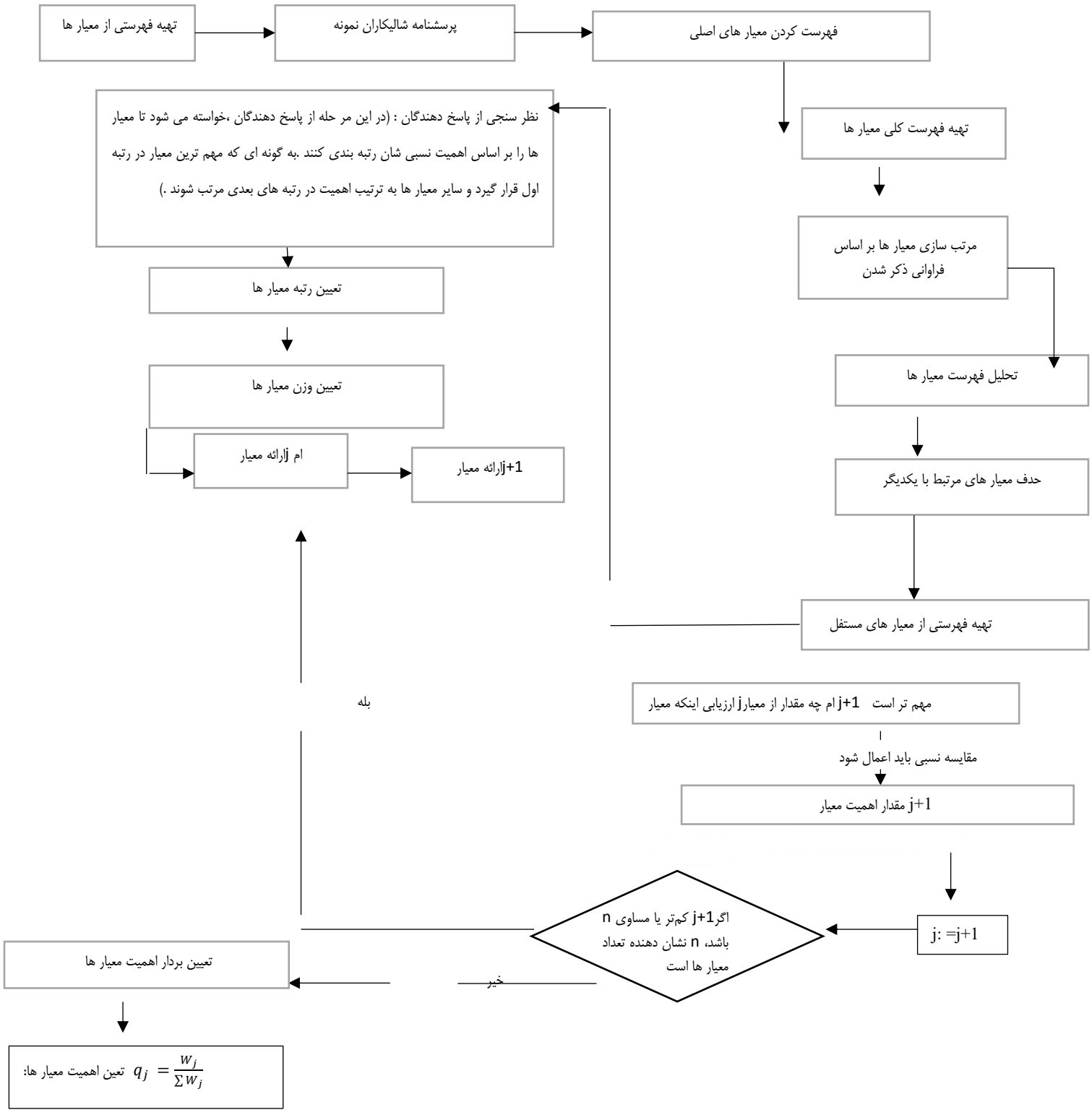
$Mean < C < Mean + sd$ زیاد (۷)

$Mean + sd < D$ خیلی زیاد (۸)



شکل ۱- درخت تصمیم پژوهش

Figure 1- Research decision tree



شکل ۲ – فرآیند تعیین وزن شاخص‌ها با استفاده از تحلیل نسبت ارزیابی وزن‌دهی تدریجی (SWARA)

اقتباس شده از (کِرشولینه و همکاران، ۲۰۱۰).

Figure 2. Process of determining indicator weights using the Stepwise Weight Assessment Ratio Analyss (SWARA) method Adapted from Keršulienė et al. (2010)

این چارچوب، امکان مقایسه نظام‌مند شدت اثرگذاری نسبی چالش‌ها را میان گروه‌های مختلف فراهم می‌کند. از نرم‌افزار Excelبرای ارائه آمار توصیفی، تهیه جداول و ترسیم نمودارهای مرتبط به‌کار گرفته شد و محاسبه وزن معیارها بر اساس روش SWARAنیز با استفاده از همین نرم‌افزار انجام شد. همچنین، اجرای فاز گروه‌بندی در رهیافت ISDM با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS صورت گرفت.

نتایج

در این بخش، ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی سرپرستان خانوار نمونه به‌منظور توصیف ساختار کلی پاسخ‌گویان ارائه می‌شود. در این راستا، توزیع فراوانی جنسیت (جدول ۲) و سطح تحصیلات سرپرستان خانوار (جدول ۳) و همچنین، شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است (جدول ۴). این اطلاعات، زمینه لازم را برای تفسیر نتایج تحلیلی و به‌کارگیری روش وزن‌دهی شاخص‌ها در مراحل بعدی پژوهش فراهم می‌کند.

بر اساس نتایج جدول ۳، از مجموع ۳۱۳ سرپرست خانوار مورد بررسی، ۲۷۱ نفر (۸۶/۵۸ درصد) مرد و ۴۲ نفر (۱۳/۴۲درصد) زن هستند. این توزیع نشان می‌دهد که سرپرستی خانوار در جامعه مورد مطالعه عمدتاً بر عهده مردان بوده است.

جدول ۲- فراوانی جنسیت سرپرستان خانوار نمونه (n = ۳۱۳).

Table 3. Gender distribution of household heads in the sample (n = 313)

جنسیت	فراوانی (نفر)	درصد فراوانی
مرد	۲۷۱	۸۶/۵۸
زن	۴۲	۱۳/۴۲
جمع	۳۱۳	۱۰۰

جدول ۳- فراوانی سطح تحصیلات سرپرستان خانوار نمونه (n = ۳۱۳).

Table 4. Educational level distribution of household heads in the sample (n = 313)

سطح تحصیلات	فراوانی(نفر)	درصد فراوانی
بی‌سواد	۹	۲/۸۸
خواندن و نوشتن (ابتدایی)	۵۸	۱۸/۵۳
متوسطه (سیکل)	۹۳	۲۹/۷۱
دیپلم	۱۰۳	۳۲/۹۱
کاردانی	۱۲	۳/۸۳
کارشناسی	۲۸	۸/۵۹
کارشناسی ارشد	۱۰	۳/۱۹
جمع	۳۱۳	۱۰۰

نتایج جدول (۳)، نشان می‌دهد که بیش‌ترین فراوانی سطح تحصیلات سرپرستان خانوار مربوط به مقاطع دیپلم (۳۲/۹۱ درصد) و متوسطه (۲۹/۷۱ درصد) است. در مقابل، سهم افراد دارای تحصیلات دانشگاهی نسبتاً محدود بوده و مجموعاً ۱۵/۶۱ درصد از پاسخ‌گویان را شامل می‌شود. این یافته‌ها بیانگر غالب بودن سطوح تحصیلی متوسط در میان سرپرستان خانوار نمونه است.

جدول ٤- آمار توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی و اقتصادی اعضای نمونه (n = ۳۱۳)
Table 5. Descriptive statistics of demographic and economic variables of the sample (n = 313)

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار
سن سرپرست خانوار (سال)	۴۷/۹۶	۴۸	۹/۵۰
تعداد افراد خانوار (نفر)	۴/۲۵	۴	۱/۵۲
تعداد فرزند (نفر)	۲/۳۳	۲	۱/۴۹
تجربه شالیکاری (سال)	۱۶/۶۱	۱۵	۹/۲۹
درآمد ماهیانه خانوار (میلیون ریال)	۲۱۰/۰۲	۱۹۰	۱۹۶/۹۵
مخارج ماهیانه خانوار (میلیون ریال)	۲۲۸/۶۳	۲۰۰	۷۸/۷۵
مخارج مواد خوراکی و آشامیدنی (خانوار)	۱۲۹/۷۱	۱۲۰	۷۳/۹۴

نتایج جدول ۴، نشان می‌دهد میانگین سن سرپرستان خانوار ۴۷/۹۶ سال و میانگین تعداد افراد خانوار ۴/۲۵ نفر است. همچنین، میانگین تجربه شالیکاری برابر با ۱۶/۶۱ سال بوده که نشان‌دهنده سابقه قابل‌توجه پاسخ‌گویان در این فعالیت است. از نظر اقتصادی، میانگین مخارج ماهیانه خانوار (۲۲۸/۶۳ میلیون ریال) اندکی بیش از میانگین درآمد ماهیانه (۲۱۰/۰۲ میلیون ریال) برآورد شده است که می‌تواند بیانگر فشار اقتصادی نسبی بر خانوارهای مورد مطالعه باشد. پس از توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی نمونه، در ادامه به‌منظور تعیین اهمیت نسبی شاخص‌های پژوهش، از روش تحلیل نسبت ارزیابی وزن‌دهی تدریجی (SWARA) استفاده شده که شامل چهار مرحله اصلی است. در این الگو، اهمیت نسبی مقدار متوسط (s_j)، ضریب (k_j)، وزن دوباره محاسبه شده (w_j) و وزن نسبی (q_j) به ترتیب برای هر معیار تعیین می‌شود. یافته‌های حاصل برای وزن نسبی و رتبه اهمیت معیارهای درخت تصمیم در (جدول۶) گزارش شد.

جدول ٥- وزن نسبی معیارهای درخت تصمیم در رهیافت SWARA (n = ۳۱۳).
Table 6. Relative weights of decision tree criteria using the SWARA approach (n = 313)

معیار	نماد	s_j	k_j	w_j	وزن نسبی
اقتصادی	C1	-	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۲۴۱۲
بهداشتی- تغذیه‌ای	C5	۰/۱۸	۱/۱۸	۰/۸۵	۰/۲۰۳۹
سیاست‌گذاری و زیرساخت‌ها	C3	۰/۰۹	۱/۰۹	۰/۷۸	۰/۱۸۷۳
فرهنگی- اجتماعی	C2	۰/۰۱	۱/۰۱	۰/۷۷	۰/۱۸۵۵
محیطی	C4	۰/۰۲	۱/۰۲	۰/۷۶	۰/۱۸۲۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

نتایج نشان داد که مؤلفه اقتصادی با وزن نسبی ۲۴/۱۲ درصد مهمترین گروه چالش‌های امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار می‌باشد. تحلیل نظر شالیکاران نمونه با استفاده از الگوی SWARA نشان داد که در راستای تحقق هدف درخت تصمیم پژوهش در منطقه مورد مطالعه، مؤلفه‌های "بهداشتی- تغذیه‌ای" و "سیاست‌گذاری و زیرساخت‌ها" به ترتیب با وزن‌های نسبی ۲۰/۳۹ و ۱۸/۷۳ درصد در جایگاه دوم و سوم اهمیت قرار دارند. سه پیشران مورد اشاره در مجموع ۶۳/۲۴ درصد اهمیت نسبی را در بین معیارهای درخت تصمیم دارا می‌باشند. همچنین، از نگاه شالیکاران نمونه، مؤلفه محیطی با وزن نسبی ۱۸/۲۲ درصد، کم‌اهمیت‌ترین چالش امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار است.زیرمعیارهای درخت تصمیم شامل زیرمعیارهای اقتصادی (۱۱ زیرمعیار)، زیرمعیارهای بهداشتی- تغذیه‌ای (هفت زیرمعیار)، زیرمعیارهای سیاست‌گذاری و

زیرساخت‌ها (هشت زیرمعیار)، زیرمعیارهای فرهنگی- اجتماعی (نه زیرمعیار) و زیرمعیارهای محیطی (هشت زیرمعیار) می‌باشد. برای هر گروه مقایسه زیرمعیارها، اهمیت نسبی مقدار متوسط (s_j)، ضریب (k_j)، وزن دوباره محاسبه شده (w_j) و وزن نسبی (q_j) به ترتیب محاسبه شد.

جدول ٦- وزن‌های نسبی و نهایی زیرمعیارهای اقتصادی در رهیافت SWARA (n = ۳۱۳).

Table 7. Relative and final weights of economic sub-criteria using the SWARA approach (n = 313)

زیرمعیار	s_j	k_j	w_j	وزن نسبی	وزن نهایی
افزایش قیمت مواد غذایی (C11)	–	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۱۰۲۹	۰/۰۲۴۸
هزینه بالا تولید محصولات کشاورزی (C1 11)	۰/۰۴	۱/۰۴	۰/۹۶	۰/۰۹۸۵	۰/۰۲۳۷
بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی در روستا (C13)	۰/۰۵	۱/۰۵	۰/۹۱	۰/۰۹۳۴	۰/۰۲۲۵
کاهش درآمد سرانه واقعی روستاییان (C18)	۰/۰۱	۱/۰۱	۰/۹۰	۰/۰۹۲۴	۰/۰۲۲۳
عدم دسترسی کافی به فناوری‌های نوین و بازارهای فروش (C16)	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۸۹	۰/۰۹۲۰	۰/۰۲۲۲
افزایش بدهی خانوارهای روستایی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری (C12)	۰/۰۲	۱/۰۲	۰/۸۸	۰/۰۹۰۵	۰/۰۲۱۸
کاهش ارزش اقتصادی شالیکاری نسبت به سایر فعالیت‌های اقتصادی در محیط روستا (C19)	۰/۰۲	۱/۰۲	۰/۸۶	۰/۰۸۸۶	۰/۰۲۱۴
توزیع ناعادلانه منابع (C14)	۰/۰۲	۱/۰۲	۰/۸۴	۰/۰۸۶۸	۰/۰۲۰۹
فقر شدید روستاییان (C17)	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۸۴	۰/۰۸۶۶	۰/۰۲۰۹
وابستگی به درآمد کشاورزی (C1 10)	۰/۰۲	۱/۰۲	۰/۸۲	۰/۰۸۴۸	۰/۰۲۰۵
تعداد افراد تحت تکفل (C15)	۰/۰۲	۱/۰۲	۰/۸۱	۰/۰۸۳۵	۰/۰۲۰۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

یافته‌های حاصل از مقایسه ۱۱ زیرمعیار اقتصادی، که نتایج آن در جدول (۶) ارائه شد، نشان می‌دهد «افزایش قیمت مواد غذایی» با کسب وزن نسبی ۱۰/۲۹ درصد، به‌عنوان مهم‌ترین چالش اقتصادی مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار شناخته می‌شود. پس از آن، زیرمعیارهای «هزینه بالای تولید محصولات کشاورزی» و «بیکاری و کمبود فرصت‌های شغلی در روستا» به‌ترتیب با وزن‌های نسبی ۹/۸۵ و ۹/۳۴ درصد، در رتبه‌های دوم و سوم از نظر اهمیت قرار گرفته‌اند. در مقابل، از دیدگاه شالیکاران نمونه، زیرمعیار «تعداد افراد تحت تکفل» با وزن نسبی ۸/۳۵ درصد، کم‌اهمیت‌ترین چالش اقتصادی در میان عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار به شمار می‌آید.در شرایط کنونی، کشاورز با بحرانی روبه‌روست که در آن «هزینه تولید محصول» بسیار سریع‌تر از «نیازهای مصرفی خانوار» رشد کرده است؛ لذا در ذهن پاسخگویان، بحران اصلی سقوط قدرت خرید و عدم صرفه اقتصادی تولید است.علاوه بر این، با نگاهی به نتایج بخش فرهنگی (جدول ۹)، ملاحظه می‌شود که «پیرسالی و نبود نیروی کار» چالش اصلی است. افراد تحت تکفل در محیط‌های روستایی گیلان (بخش سنگر)، غالباً به عنوان نیروی کار خانوادگی در مراحل وجین و برداشت ایفای نقش می‌کنند و بار مالی استخدام کارگر فصلی را کاهش می‌دهند. کارکردِ «تولیدی» اعضای خانواده باعث شده تا وزنِ تهدیدآمیز آن‌ها در بحث امنیت غذایی، نسبت به متغیرهای کلان اقتصادی همچون تورم، به مراتب کم‌تر ارزیابی شود.

براساس نتایج (جدول ۷)، مقایسه زیرمعیارهای هفت‌گانه بهداشتی- تغذیه‌ای نشان داد که "کاهش دسترسی به پروتئین-های حیوانی" با وزن نسبی ۱۶/۰۹ درصد مهم‌ترین چالش این گروه مقایسه می‌باشد. پیشران بودن «کاهش دسترسی به پروتئین‌های حیوانی نشان‌دهنده تغییر ماهیت ناامنی غذایی در روستاهای بخش سنگر از «کمیت» به «کیفیت» است. این یافته با گزارش سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۳)

مبنی بر گسترش گرسنگی پنهان در جوامع روستایی همسو است. تبیین این پدیده حاکی از آن است که در پی فشارهای تورمی (که در بخش اقتصادی به عنوان اولویت اول شناسایی شد)، خانوارها راهبرد انطباقی خود را بر پایه جایگزینی کالری ارزان به جای پروتئین گران بنا نهاده‌اند. رتبه دوم و سومِ افزایش مصرف کربوهیدرات‌ها و برنج سفید (جدول ۷) نیز مؤید همین مطلب است؛ شالیکاران برای جبران خلأ انرژی ناشی از حذف پروتئین‌های حیوانی (گوشت قرمز و سفید)، به مصرف مفرط قندها و نشاسته‌ها روی آورده‌اند که این خود می‌تواند زمینه‌ساز بروز بیماری‌های غیرواگیر در بلندمدت میان جامعه روستایی منطقه باشد.

جدول ۷- وزن‌های نسبی و نهایی زیرمعیارهای بهداشتی- تغذیه‌ای در رهیافت SWARA (n = ۳۱۳).

Table 8. Relative and final weights of health and nutritional sub-criteria using the SWARA approach (n =313)

زیرمعیار	s_j	k_j	w_j	وزن نسبی	وزن نهایی
کاهش دسترسی به پروتئین‌های حیوانی (C25)	–	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۱۶۰۹	۰/۰۲۹۸
افزایش مصرف کربوهیدرات‌های مضر مانند قند و انواع شکلات (C22)	۰/۰۴	۱/۰۴	۰/۹۶	۰/۱۵۴۶	۰/۰۲۸۷
افزایش مصرف برنج سفید بدون سبوس (C21)	۰/۰۵	۱/۰۵	۰/۹۲	۰/۱۴۷۷	۰/۰۲۷۴
کاهش دسترسی به سبزیجات و انواع میوه (C26)	۰/۰۱	۱/۰۱	۰/۹۱	۰/۱۴۶۶	۰/۰۲۷۲
افزایش مصرف انواع غذاهای آماده و فست فود (C23)	۰/۰۶	۱/۰۶	۰/۸۶	۰/۱۳۸۳	۰/۰۲۵۷
تغییر الگوی تغذیه‌ای در سطح روستا (C24)	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۸۶	۰/۱۳۸۲	۰/۰۲۵۶
همه‌گیری کووید-۱۹ (C27)	۰/۲۲	۱/۲۲	۰/۷۱	۰/۱۱۳۷	۰/۰۲۱۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

جدول ۸- وزن‌های نسبی و نهایی زیرمعیارهای سیاست‌گذاری و زیرساخت‌ها در رهیافت SWARA (n = ۳۱۳).

Table 9. Relative and final weights of policy-making and infrastructure sub-criteria using the SWARA approach (n = 313)

زیرمعیار	s_j	k_j	w_j	وزن نسبی	وزن نهایی
نبود زیرساخت‌های مناسب مانند حمل‌ونقل و آبیاری (C36)	–	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۱۳۹۶	۰/۰۲۶۱
ضعف سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی (C31)	۰/۰۶	۱/۰۶	۰/۹۴	۰/۱۳۱۳	۰/۰۲۴۶
مشکلات بیمه محصولات کشاورزی (C34)	۰/۰۴	۱/۰۴	۰/۹۰	۰/۱۲۵۷	۰/۰۲۳۵
کمبود صنایع فرآوری برنج و عدم بسته‌بندی مناسب و استاندارد محصولات روستایی (C33)	۰/۰۱	۱/۰۱	۰/۸۹	۰/۱۲۴۶	۰/۰۲۳۳
نبود شبکه‌های توزیع مستقیم محصولات کشاورزی به بازار (C37)	۰/۰۱	۱/۰۱	۰/۸۸	۰/۱۲۳۵	۰/۰۲۳۱
ضعف در اجرای قوانین مربوط به حفظ اراضی کشاورزی (C32)	۰/۰۲	۱/۰۲	۰/۸۷	۰/۱۲۱۴	۰/۰۲۲۷
ناپایداری سیاست‌های کشاورزی (C35)	۰/۰۱	۱/۰۱	۰/۸۶	۰/۱۱۹۸	۰/۰۲۲۴
وابستگی به زنجیره‌های تأمین آسیب‌پذیر (C38)	۰/۰۵	۱/۰۵	۰/۸۲	۰/۱۱۴۰	۰/۰۲۱۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

بررسی نتایج ارائه‌شده در جدول (۸) حاکی از آن است که در میان زیرمعیارهای مرتبط با سیاست‌گذاری و زیرساخت‌ها، عامل «نبود زیرساخت‌های مناسب از قبیل سامانه‌های حمل‌ونقل و آبیاری» با اختصاص وزن نسبی ۱۳/۹۶ درصد، بیش‌ترین تأثیر را بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار داشته و در اولویت نخست قرار گرفته است. در ادامه، «ضعف سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی» با وزن نسبی ۱۳/۱۳ درصد و «چالش‌های مرتبط با بیمه محصولات کشاورزی» با وزن نسبی ۱۲/۵۷ درصد، به‌عنوان دومین و سومین عوامل مهم این گروه شناسایی شده‌اند. در مقابل، از دیدگاه شالیکاران مورد مطالعه، «وابستگی به زنجیره‌های تأمین آسیب‌پذیر» با وزن نسبی ۱۱/۴۰ درصد، کم‌ترین میزان اهمیت را در میان چالش‌های سیاست‌گذاری و

زیرساختی مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار به خود اختصاص داده است.

جدول ۹- وزن‌های نسبی و نهایی زیرمعیارهای فرهنگی- اجتماعی در رهیافت SWARA (n = ۳۱۳).

Table 10. Relative and final weights of cultural and social sub-criteria using the SWARA approach (n = 313)

زیرمعیار	s_j	k_j	w_j	وزن نسبی	وزن نهایی
افزایش سن کشاورزان و عدم تمایل نسل جوان به فعالیت کشاورزی (C42)	–	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۱۳۱۰	۰/۰۲۳۹
تغییر سبک زندگی روستایی (C43)	۰/۱۵	۱/۱۵	۰/۸۷	۰/۱۱۴۱	۰/۰۲۰۸
ضعف در آموزش و توانمندسازی کشاورزان (C44)	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۸۷	۰/۱۱۳۶	۰/۰۲۰۷
عدم فرهنگ‌سازی مصرف و حمایت از تولید محلی-روستایی، محصولات کشاورزی سالم و ارگانیک (C45)	۰/۰۲	۱/۰۲	۰/۸۵	۰/۱۱۱۶	۰/۰۲۰۳
مهاجرت از روستا (C49)	۰/۰۳	۱/۰۳	۰/۸۳	۰/۱۰۸۴	۰/۰۱۹۷
افزایش جمعیت غیربومیان در روستا (C41)	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۸۲	۰/۱۰۷۹	۰/۰۱۹۷
فساد اداری (C47)	۰/۰۱	۱/۰۱	۰/۸۲	۰/۱۰۶۹	۰/۰۱۹۵
فاصله روستا از مرکز شهر (C46)	۰/۰۲	۱/۰۲	۰/۸۰	۰/۱۰۴۸	۰/۰۱۹۱
کاهش همبستگی اجتماعی بین کشاورزان (C48)	۰/۰۳	۱/۰۳	۰/۷۸	۰/۱۰۱۸	۰/۰۱۸۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

نتایج حاصل از تحلیل جدول (۹) بیانگر آن است که در میان عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر امنیت غذایی، مسئله «سالخوردگی جامعه کشاورزی و استقبال اندک نسل جوان از فعالیت‌های کشاورزی» بیش‌ترین وزن را به خود اختصاص داده و با سهم نسبی ۱۳/۱۰ درصد، در صدر چالش‌های این گروه قرار گرفته است. پس از این عامل، «دگرگونی الگوهای زندگی در روستاها» با وزن نسبی ۱۱/۴۱ درصد و «محدودیت در فرایندهای آموزشی و ارتقای توانمندی شالیکاران» با وزن نسبی ۱۱/۳۶ درصد، به‌عنوان عوامل اثرگذار بعدی شناسایی شده‌اند. در مقابل، از نگاه بهره‌برداران مورد بررسی، «تضعیف روابط و همبستگی اجتماعی میان کشاورزان» با وزن نسبی ۱۰/۱۸ درصد، کم‌ترین نقش را در میان چالش‌های فرهنگی-اجتماعی مرتبط با امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار ایفا می‌کند.

جدول ۱۰- وزن‌های نسبی و نهایی زیرمعیارهای محیطی در رهیافت SWARA (n = ۳۱۳).

Table 11. Relative and final weights of environmental sub-criteria using the SWARA approach (n = 313)

زیرمعیار	s_j	k_j	w_j	وزن نسبی	وزن نهایی
تغییر اقلیم (C54)	–	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۱۴۰۵	۰/۰۲۸۶
کمبود منابع آب و فرسایش خاک (C56)	۰/۰۵	۱/۰۵	۰/۹۶	۰/۱۳۴۴	۰/۰۲۷۴
تخریب منابع طبیعی و کاهش تنوع زیستی (C55)	۰/۰۳	۱/۰۳	۰/۹۳	۰/۱۳۰۵	۰/۰۲۶۶
آلودگی منابع آب و خاک (C51)	۰/۰۳	۱/۰۳	۰/۹۰	۰/۱۲۷۱	۰/۰۲۵۹
افزایش شیوع آفات و بیمارهای گیاهی (C52)	۰/۰۱	۱/۰۱	۰/۹۰	۰/۱۲۶۲	۰/۰۲۵۷
کاهش کیفیت آب رودخانه سفیدرود (C58)	۰/۰۳	۱/۰۳	۰/۸۷	۰/۱۲۲۴	۰/۰۲۵۰
کمبود زمین‌های زراعی (C57)	۰/۰۸	۱/۰۸	۰/۸۱	۰/۱۱۳۵	۰/۰۲۳۲
پیچیدگی ماهیت کشاورزی (C53)	۰/۰۸	۱/۰۸	۰/۷۵	۰/۱۰۵۵	۰/۰۲۱۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

بررسی نتایج جدول (۱۰) نشان می‌دهد که از دیدگاه شالیکاران مورد مطالعه، در میان عوامل محیطی اثرگذار بر امنیت غذایی، «تغییرات اقلیمی» با وزن نسبی ۱۴/۰۵ درصد بیش‌ترین سهم را داشته و به‌عنوان اصلی‌ترین چالش محیطی مطرح است. در ادامه، عامل «کمبود منابع آب و فرسایش خاک» با وزن نسبی ۱۳/۴۴ درصد و همچنین «تخریب منابع طبیعی و افت

تنوع زیستی» با وزن نسبی ۱۳/۰۵ درصد، در مراتب بعدی اهمیت قرار گرفته‌اند. در مقابل، شالیکاران نمونه «پیچیدگی ماهیت کشاورزی» را با وزن نسبی ۱۰/۵۵ درصد، کم‌اثرترین عامل محیطی مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار ارزیابی کرده‌اند. به‌منظور طبقه‌بندی ۴۳ زیرمعیار شناسایی‌شده در حوزه چالش‌های امنیت غذایی، از روش فاصله انحراف معیار از میانگین استفاده شده است. در این راستا، پس از محاسبه وزن نهایی هر یک از چالش‌ها و تعیین میانگین و انحراف معیار وزن‌ها، عوامل مورد بررسی بر اساس میزان اثرگذاری در چهار سطح متمایز شامل «چالش‌های با شدت اثرگذاری بسیار زیاد»، «چالش‌های با شدت اثرگذاری زیاد»، «چالش‌های با شدت اثرگذاری کم» و «چالش‌های با شدت اثرگذاری بسیار کم» تفکیک و نتایج این دسته‌بندی در جدول (۱۱) ارائه شده است.

جدول ۱۱- دسته‌بندی چالش‌های امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار با استفاده از رهیافت ISDM (n = ۳۱۳).

شدت اثرگذاری	چالش (زیرمعیار)
خیلی زیاد	کاهش دسترسی به پروتئین‌های حیوانی (C25)، افزایش مصرف کربوهیدرات‌های مضر مانند قند و انواع شکلات (C22)، افزایش مصرف برنج سفید بدون سبوس (C21)، کاهش دسترسی به سبزیجات و انواع میوه (C26)، تغییر اقلیم (C54)، کمبود منابع آب و فرسایش خاک (C56)، و تخریب منابع طبیعی و کاهش تنوع زیستی (C55)
زیاد	افزایش قیمت مواد غذایی (C11)، هزینه بالا تولید محصولات کشاورزی (C1 11)، افزایش مصرف انواع غذاهای آماده و فست فود (C23)، تغییر الگوی تغذیه‌ای در سطح روستا (C24)، نبود زیرساخت‌های مناسب مانند حمل‌ونقل و آبیاری (C36)، ضعف سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی (C31)، مشکلات بیمه محصولات کشاورزی (C34)، کمبود صنایع فرآوری برنج و عدم بسته‌بندی مناسب و استاندارد محصولات روستایی (C33)، افزایش سن کشاورزان و عدم تمایل نسل جوان به فعالیت کشاورزی (C42)، آلودگی منابع آب و خاک (C51)، افزایش شیوع آفات و بیمارهای گیاهی (C52)، و کاهش کیفیت آب رودخانه سفیدرود (C58)
کم	بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی در روستا (C13)، کاهش درآمد سرانه واقعی روستاییان (C18)، عدم دسترسی کافی به فناوری‌های نوین و بازارهای فروش (C16)، افزایش بدهی خانوارهای روستایی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری (C12)، کاهش ارزش اقتصادی شالیکاری نسبت به سایر فعالیت‌های اقتصادی در محیط روستا (C19)، توزیع ناعادلانه منابع (C14)، فقر شدید روستاییان (C17)، وابستگی به درآمد کشاورزی (C1 10)، همه‌گیری کووید-۱۹ (C27)، نبود شبکه‌های توزیع مستقیم محصولات کشاورزی به بازار (C37)، ضعف در اجرای قوانین مربوط به حفظ اراضی کشاورزی (C32)، ناپایداری سیاست‌های کشاورزی (C35)، وابستگی به زنجیره‌های تأمین آسیب‌پذیر (C38)، تغییر سبک زندگی روستایی (C43)، ضعف در آموزش و توانمندسازی کشاورزان (C44)، کمبود زمین‌های زراعی (C57)، و پیچیدگی ماهیت کشاورزی (C53)
خیلی کم	تعداد افراد تحت تکفل (C15)، عدم فرهنگ‌سازی مصرف و حمایت از تولیدات محلی- روستایی، محصولات کشاورزی سالم و ارگانیک (C45)، مهاجرت از روستا (C49)، افزایش جمعیت غیربومیان در روستا (C41)، فساد اداری (C47)، فاصله روستا از مرکز شهر (C46)، و کاهش همبستگی اجتماعی بین کشاورزان (C48)

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

یافته‌های پژوهش نشان داد که هفت چالش دارای شدت اثرگذاری خیلی زیاد، ۱۲ چالش دارای شدت اثرگذاری زیاد، ۱۷ چالش دارای شدت اثرگذاری کم و هفت چالش دارای شدت اثرگذاری خیلی کم بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار می‌باشند.

بحث

مؤلفه اقتصادی، به‌عنوان مهم‌ترین چالش امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار (۱۲٫۲۴ درصد) شناسایی شد. این یافته با اغلب پژوهش‌های پیشین هم‌راستا است؛ به‌گونه‌ای که رزم‌آور و همکاران (۱۴۰۱)، سواری و غنیان (۱۳۹۸) و پژوهش سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۳) نیز، همانند مطالعه حاضر، به اهمیت چالش‌های اقتصادی نظیر افزایش قیمت مواد غذایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیت غذایی خانوارهای روستایی اشاره کرده‌اند. همچنین، نتایج تحقیقات

اشمیت و موکرجی (۲۰۲۴)، جمینی و همکاران (۱۳۹۶)، بیاناتی و همکاران (۱۴۰۱) و یاوری و اطهری (۱۴۰۲) نیز نشان داد که درآمد پایین، محدودیت‌های مالی و کمبود منابع اعتباری از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری ناامنی غذایی از بعد اقتصادی می‌باشند. همچنین، یافته‌های پژوهش اسعدی‌خوب و همکاران (۱۴۰۳) نشان‌دهنده وجود تفاوت معنی‌دار آماری در وضعیت ناامنی غذایی بین گروه‌های درآمدی مختلف است. براساس یافته‌های پژوهش، «هزینه بالای تولید محصولات کشاورزی» به‌عنوان دومین چالش اقتصادی مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار شناسایی شد؛ موضوعی که با نتایج گزارش پژوهش سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۳) تطابق دارد. همچنین، یافته‌های پژوهش‌های عبدالولیو و همکاران (۲۰۲۳) و آدئوتی و همکاران (۲۰۲۴) نیز مؤید آن است که بیکاری و فقر از جمله مؤلفه‌های مؤثر در تضعیف امنیت غذایی به‌شمار می‌آیند. مطالعه بیاناتی و همکاران (۱۴۰۱) نیز به وابستگی معیشتی به درآمدهای کشاورزی، توزیع ناعادلانه منابع و تعداد افراد تحت تکفل به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر امنیت غذایی اشاره داشته است. با این حال، در پژوهش حاضر، تعداد افراد تحت تکفل کم‌ترین نقش را در بروز چالش‌های اقتصادی مرتبط با امنیت غذایی ایفا کرده است. چالش‌های "بهداشتی و تغذیه‌ای" با اهمیت نسبی ۲۰/۳۹ درصد، در رتبه دوم چالش‌های امنیت غذایی در این پژوهش قرار دارند. اگرچه این مؤلفه در پژوهش‌های پیشین به‌طور مستقل مورد بررسی قرار نگرفت اما در پژوهش سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۳) به تغییر الگوی مصرف، افزایش گرایش به مصرف غذاهای ناسالم و کاهش دسترسی به مواد غذایی مغذی به عنوان چالش‌های جدی امنیت غذایی خانوارهای روستایی اشاره شد. در مطالعه حاضر، "همه‌گیری کووید-۱۹" به‌عنوان کم‌اثرترین عامل در ایجاد چالش‌های امنیت غذایی ارزیابی شده است؛ این در حالی است که در پژوهش‌های نزدیک‌تر به این رخداد به لحاظ زمانی مانند عبدالولیو و همکاران (۲۰۲۳) و پژوهش سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۳)، همه‌گیری یادشده به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت غذایی مطرح شد. "سیاست‌گذاری و زیرساخت‌ها" با وزن نسبی ۱۸/۷۳ درصد در جایگاه سوم چالش‌های امنیت غذایی شناسایی شده خانوارهای روستایی شالیکار قرار دارند. مهم‌ترین چالش در این گروه با توجه به یافته‌های این پژوهش "فقدان زیرساخت‌های مناسب از جمله حمل‌ونقل و آبیاری" است؛ مسئله‌ای که در پژوهش‌های رزم‌آور و همکاران (۱۴۰۱)، آدئوتی و همکاران (۲۰۲۴) و اشمیت و موکرجی (۲۰۲۴) نیز مورد تأکید قرار گرفت. در این پژوهش دومین چالش مهم این گروه، "ضعف سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی" محسوب می‌شود؛ که پژوهش‌های جمینی و همکاران (۱۳۹۶) و سواری و غنیان (۱۳۹۸) نیز به آن پرداخته‌اند. همچنین، یاوری و اطهری (۱۴۰۲) بر نارسایی در نظام مدیریتی و سیاست‌گذاری در سطوح محلی و ملی تأکید کرده‌اند. هرچند مشکلات مرتبط با بیمه و وابستگی به زنجیره‌های تأمین آسیب‌پذیر، در پژوهش‌ها به‌طور مستقیم به‌عنوان چالش امنیت غذایی مطرح نشده‌اند اما نمی‌توان از نقش آن‌ها در بروز چنین مشکلات ساختاری چشم‌پوشی کرد. چالش‌های "فرهنگی و اجتماعی" با سهمی معادل ۱۸/۵۵درصد به‌عنوان چهارمین عامل مؤثر در چالش‌های امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار شناسایی شده‌اند. بیاناتی و همکاران (۱۴۰۱) و جمینی و همکاران (۱۳۹۶) به موانع فرهنگی و اجتماعی نظیر فاصله روستاها از مراکز شهری و شرایط خاص جغرافیایی اشاره کرده‌اند. همچنین، آدئوتی و همکاران (۲۰۲۴) فساد اداری را یکی از چالش‌های اساسی در تأمین امنیت غذایی خانوارهای روستایی معرفی کرده‌اند. به علاوه، عبدالولیو و همکاران (۲۰۲۳) و پژوهش سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۳) به عواملی همچون مهاجرت از روستاها، افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی به‌عنوان موانع مهم "فرهنگی و اجتماعی" اثرگذار بر تأمین امنیت غذایی اشاره

کرده‌اند. در مطالعه حاضر، "کاهش همبستگی اجتماعی بین کشاورزان" در مقایسه با سایر عوامل "فرهنگی و اجتماعی"، به‌عنوان کم‌تأثیرترین چالش امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار شناسایی شد. در پژوهش حاضر، مؤلفه محیطی با اهمیت نسبی ۱۸/۲۲درصد، کم‌اهمیت‌ترین چالش در میان مؤلفه‌های مورد بررسی است. با این حال، مطالعات متعددی از جمله سواری و غنیان (۱۳۹۸)، اشمیت و موکرجی (۲۰۲۴) و پژوهش سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۳) به نقش قابل توجه تغییرات اقلیمی در تهدید امنیت غذایی اشاره داشته‌اند؛ عاملی که در پژوهش حاضر نیز به‌عنوان اصلی‌ترین منشأ چالش محیطی امنیت غذایی از سوی روستاییان نمونه معرفی شد. علاوه بر این، پژوهش سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۳) نیز بر کاهش منابع آبی به‌عنوان یکی از پیامدهای نگران‌کننده تغییرات اقلیمی تأکید دارد. در همین راستا، "تخریب منابع طبیعی و کاهش تنوع زیستی" به‌عنوان سومین چالش محیطی در این پژوهش مطرح شد؛ که با یافته‌های بیاناتی و همکاران (۱۴۰۱) و جمینی و همکاران (۱۳۹۶) در این زمینه هم‌راستا است.

جمع‌بندی

این پژوهش با بهره‌گیری از رهیافت‌های SWARA و ISDMنشان داد که ناامنی غذایی خانوارهای روستایی شالیکار بخش سنگر، پدیده‌ای چندبعدی اما نامتوازن است؛ به‌گونه‌ای که همه چالش‌ها از شدت و اهمیت یکسانی برخوردار نیستند. یافته‌ها به‌روشنی بیانگر آن است که فشارهای اقتصادی، تغییر الگوی تغذیه و ضعف سیاست‌گذاری و زیرساخت‌ها، هسته اصلی تهدیدکننده امنیت غذایی در منطقه مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند. در سطح زیرمعیارها، کاهش دسترسی به پروتئین‌های حیوانی و میوه و سبزیجات، افزایش مصرف کربوهیدرات‌های کم‌کیفیت، و چالش‌های محیطی مرتبط با تغییر اقلیم، کمبود منابع آب و فرسایش خاک در زمره عوامل با شدت اثرگذاری «خیلی زیاد» قرار گرفتند. این الگو نشان می‌دهد که ناامنی غذایی در منطقه بیش از آن‌که ناشی از کمبود مطلق غذا باشد، به سمت ناامنی تغذیه‌ای و افت کیفیت رژیم غذایی سوق یافته است؛ پدیده‌ای که می‌تواند در میان‌مدت و بلندمدت سلامت و بهره‌وری اقتصادی خانوارهای شالیکار را تضعیف کند. در مقابل، برخی چالش‌هایی که در ادبیات نظری اهمیت بالایی دارند نظیر مهاجرت، فساد اداری و کاهش همبستگی اجتماعی از دیدگاه شالیکاران نمونه در زمان انجام پژوهش، اثرگذاری مستقیم و روزمره کم‌تری بر امنیت غذایی خانوار داشته‌اند. این یافته نشان می‌دهد که ادراک محلی بهره‌برداران لزوماً با اولویت‌های کلان سیاستی یکسان نیست و سیاست‌گذاری مؤثر مستلزم توجه به این تفاوت‌هاست. به‌طور کلی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که امنیت غذایی خانوارهای شالیکار بخش سنگر در نقطه تلاقی شکنندگی اقتصادی، ضعف زیرساخت‌های تولید و توزیع و آسیب‌پذیری محیطی شکل می‌گیرد و مداخلات سیاستی باید به‌صورت هدفمند و اولویت‌بندی‌شده بر این کانون‌های اصلی تمرکز یابند.

پیشنهادها

با اتکا به نتایج حاصل از رهیافت ISDM ، پیشنهادهای سیاستی پژوهش حاضر به‌صورت اولویت‌بندی‌شده ارائه می‌شود. در اولویت نخست، با توجه به نقش غالب چالش‌های اقتصادی، ضروری است سیاست‌های حمایتی مرتبط با تولید و بازار برنج به‌صورت هدفمند اصلاح شود. در این راستا، تعیین قیمت تضمینی برنج بر مبنای هزینه واقعی تولید در هر فصل زراعی و بازنگری سالانه آن، می‌تواند از کاهش قدرت خرید شالیکاران جلوگیری کند. این اقدام می‌تواند از طریق همکاری وزارت جهاد کشاورزی، سازمان‌های استانی و تشکل‌های شالیکاران انجام شود. همچنین، هدایت یارانه‌های معیشتی و غذایی به‌صورت

هدفمند به خانوارهای شالیکار کم‌درآمد، به‌ویژه در دوره‌های افزایش قیمت مواد غذایی، اقدامی عملی برای بهبود دسترسی اقتصادی این خانوارها به غذا محسوب می‌شود. تقویت بیمه محصولات کشاورزی از طریق افزایش پوشش خسارات اقلیمی و ساده‌سازی فرآیند دریافت غرامت نیز می‌تواند ریسک معیشتی شالیکاران را به‌طور ملموس کاهش دهد. در گام دوم، با توجه به شدت بالای چالش‌های تغذیه‌ای، مداخلات اجرایی در حوزه بهبود کیفیت رژیم غذایی ضروری به نظر می‌رسد. توسعه بازارهای محلی هفتگی برای فروش مستقیم محصولات کشاورزی سالم، با همکاری دهیاری‌ها و جهاد کشاورزی، می‌تواند هم به افزایش درآمد تولیدکنندگان و هم به بهبود دسترسی خانوارهای روستایی به مواد غذایی باکیفیت کمک کند. همچنین، حمایت از تولید خرد پروتئین‌های کم‌هزینه مانند طیور بومی، دام سبک و آبزی‌پروری کوچک‌مقیاس، از طریق اعطای تسهیلات کم‌بهره و آموزش‌های فنی، اقدامی عملی برای جبران کاهش مصرف پروتئین‌های حیوانی در خانوارهای روستایی است. اجرای برنامه‌های آموزش تغذیه از طریق خانه‌های بهداشت و مراکز خدمات جامع سلامت روستایی، با تمرکز بر اصلاح الگوی مصرف و کاهش وابستگی به غذاهای کم‌کیفیت، نیز می‌تواند به‌صورت تدریجی اما پایدار اثرگذار باشد. در بعد سیاست‌گذاری و زیرساختی، یافته‌ها نشان می‌دهد که بهبود زیرساخت‌ها از جمله حوزه‌هایی است که امکان مداخله اجرایی مشخص دارد. نوسازی و بهسازی شبکه‌های آبیاری با استفاده از سامانه‌های کم‌مصرف و متناسب با شرایط اقلیمی منطقه، می‌تواند به‌طور مستقیم بر پایداری تولید شالیکاری اثر بگذارد. همچنین، بهسازی راه‌های دسترسی روستایی برای کاهش هزینه حمل‌ونقل نهاده‌ها و محصولات کشاورزی، اقدامی عملی و قابل اجرا در سطح شهرستان است. ایجاد مراکز کوچک‌مقیاس ذخیره‌سازی و فرآوری برنج در سطح محلی، با مشارکت تعاونی‌های روستایی، می‌تواند از خام‌فروشی محصول جلوگیری کرده و سهم بیش‌تری از ارزش افزوده را نصیب شالیکاران کند. در اولویت چهارم و با رویکرد بلندمدت، توجه به پایداری محیطی و اجتماعی ضروری است. اجرای برنامه‌های سازگاری با تغییر اقلیم، به‌ویژه در حوزه مدیریت منابع آب و خاک، و تقویت تشکل‌ها و تعاونی‌های شالیکاران به‌منظور افزایش توان چانه‌زنی و کاهش آسیب‌پذیری فردی کشاورزان، می‌تواند به ارتقای تاب‌آوری سیستم‌های معیشتی و غذایی در منطقه کمک کند. در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بهبود امنیت غذایی خانوارهای روستایی شالیکار بخش سنگر نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ، مرحله‌مند و متناسب با شرایط محلی است. تمرکز بر مداخلات قابل اجرا و مبتنی بر شواهد می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای امنیت غذایی و پایداری معیشت روستایی در منطقه مورد مطالعه شود.با این حال، نتایج پژوهش حاضر باید با در نظر گرفتن محدودیت‌های آن تفسیر شود. از جمله محدودیت‌ها می‌توان به عدم محاسبه شاخص کمی پایایی درونی برای گویه‌های پرسش‌نامه و اتکای بیش‌تر بر روایی محتوایی، محدود بودن دامنه مکانی مطالعه به بخش سنگر شهرستان رشت، و اتکا به ادراک ذهنی پاسخ‌گویان به‌جای داده‌های عینی تغذیه‌ای اشاره کرد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی با پوشش سایر مناطق شالیکاری کشور، بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی کمی و کیفی، و بررسی پیوند میان ناامنی تغذیه‌ای و پیامدهای سلامت، درک جامع‌تری از سازوکارهای ناامنی غذایی در جوامع روستایی فراهم آورند.

منابع

اسعدی خوب، س.م.، پاپ‌زن، ع.، و حق‌پرست، ر. (۱۴۰۳). ارزیابی شاخص ناامنی غذایی خانوارهای شهری و روستایی

در شهرستان بهمئی. راهبردهای توسعه روستایی، ۱۱(۴)، ۵۴۰-۵۶۱.
https://doi.org/10.22048/rdsj.2025.377902.2072

احمدی، ا.، بادسار، م.، قلی‌زاده، ح.، و کرمی، ر. (۱۴۰۲). تحلیل امنیت غذایی خانوارهای روستایی استان آذربایجان غربی بر مبنای شاخص تنوع غذایی و عوامل مؤثر بر آن. راهبردهای توسعه روستایی، ۱۰(۱)، ۵۵-۳۷.
https://doi.org/10.22048/rdsj.2022.330418.2003

بیاناتی، ن.، محمدی، ی.، واعظمی، م. (۱۴۰۱). واکاوی وضعیت و تبیین‌کننده‌های امنیت غذایی در بین خانوارهای روستایی شهرستان بهار استان همدان. پژوهش‌های روستایی، ۱۳(۲)، ۳۱۳-۲۹۸.
https://doi.org/10.22059/jrur.2022.328467.1684

توکلی، م.، و کرباسی، ع. (۱۴۰۴). بررسی تقاضای غذا در ایران در بین خانوارهای روستایی. راهبردهای توسعه روستایی، ۱۲(۲)، ۲۳۵-۲۲۱.
https://doi.org/10.22048/rdsj.2025.416397.2132

جمینی، د.، امینی، ع.، قادرمرزی، ح.، وتوکلی، ج. (۱۳۹۶). سنجش امنیت غذایی و واکاوی چالش‌های آن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: دهستان بدر، شهرستان روانسر). فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۷(۲۷)، ۱۰۲-۸۷.

رزم‌آور، ف.، سواری، م.، بیات، پ.، وعبدشاهی، ع. (۱۴۰۱). واکاوی چالش‌های امنیت غذایی در میان خانوارهای روستایی استان بوشهر. روستا و توسعه، ۲۵(۴)،۱۴۰-۱۶۲.
https://doi.org/10.30490/rvt.2022.355248.1377

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. (۱۳۸۲). ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری .تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.

سواری، م.، و غنیان، م. (۱۳۹۸). تحلیل چالش‌ها و راهبردهای بهبود امنیت غذایی در خانوارهای روستایی ایران با تحلیل سلسله‌مراتبی. روستا و توسعه، ۲۳(۳)، ۱۲۴-۹۵ .
https://doi.org/10.30490/rvt.2020.275542.1034

فخفوری، ح.، موسوی، س. ح.، باقری، م.، واژدری، س. (۱۴۰۳). بررسی آثار افزایش نرخ ارز بر رفاه و آسیب‌پذیری خانوارها: مطالعه موردی خانوارهای روستایی استان گلستان. مطالعات توسعه روستایی، ۱۱(۴)، ۵۲۳-۴۹۸.
https://doi.org/10.22048/rdsj.2025.381478.2076

مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۳). قانون برنامه پنجساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷. تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

گلابی‌فر، ج.، براتی، ع. ا.، وکلانتری، خ. (۱۴۰۲). بررسی وضعیت دسترسی خانوارهای روستایی به غذا در دهستان شاوور. مطالعات توسعه روستایی،۱۰(۲)، ۱۱۹-۱۳۵.
https://doi.org/10.22048/rdsj.2022.338514.2014

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران. (۱۴۰۲). گزارش ارزیابی لایحه برنامه هفتم توسعه از نگاه بخش خصوصی: امنیت غذایی و ارتقاء تولید محصولات کشاورزی. اتاق ایران. بازیابی‌شده از https://otaghiranonline.ir/news/67319/ امنیت غذایی و ارتقای تولید محصولات کشاورزی.

هاشمی‌تبار، م.، اکبری، ا.، ودرینی، م. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در نواحی روستایی جنوب استان کرمان. اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۷(۲)، ۵۹-۸۴.
https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1413680

یاوری، ج؛ واطهری، ز. (۱۴۰۲). تحلیل چالش‌های امنیت غذایی در بین خانوارهای روستایی (دهستان هفت آشیان، شهرستان کرمانشاه). راهبردهای توسعه روستایی، ۱۰(۱)،۷۲-۵۷.
https://doi.org/10.22048/rdsj.2023.355281.2044

Abdulwaliyua, I., Okoduwa, S. I. R., Arekemase, S. O., Muhammad, A., Batari, M. L., Mustapha, R. A.,& Itiat, J. F. (2023). Impact of security challenges on food and nutrition security in Nigeria: The role of food production focus. Malaysian Journal of Sustainable Agriculture, 7(1), 45–51.

Development, United Nations Children's Fund, World Food Programme, and World Health Organization. (2024). The state of food security and nutrition, Financing to end hunger, food insecurity and malnutrition in all its forms. Rome, Italy: Food and Agriculture Organization of the United Nations, International Fund for Agricultural Development, United Nations Children's Fund, World Food Programme, and World Health Organization. 286 pages. https://doi.org/10.4060/cd1254en

Gross, R., Schoeneberger, H., Pfeifer, H., & Preuss, H. J. (2000). Four dimensions of food and nutrition security: Definitions and concepts. SCN News – United Nations System Standing Committee on Nutrition, (20), 20–25. https://eurekamag.com/research/003/450/003450911.php

Keršulienė, V., Zavadskas, E. K., & Turskis, Z. (2010). Selection of rational dispute resolution method by applying new step-wise weight assessment ratio analysis (SWARA). Journal of Business Economics and Management, 11(2), 243–258. https://doi.org/10.3846/jbem.2010.12

Leunufna, S., & Evans, M. (2014). Ensuring food security in the small islands of Maluku: A community genebank approach. Journal of Marine and Island Cultures, 3(3), 125–133. https://doi.org/10.1016/j.imic.2014.11.001

Pinstrup-Andersen, P. (2009). Food security: Definition and measurement, Food Security, 1(1), 5–7. https://doi.org/10.1007/s12571-008-0002-y

Schmidt, E., & Mukerjee, R. (2024). Survey: Rural Papua New Guinea faces an array of food security challenges. International Food Policy Research Institute. https://www.ifpri.org/blog/survey-rural-papua-new-guinea-faces-an-array-of-food-security-challenges

https://doi.org/10.26480/mjsa.01.2023.45.51

Adeoti, J. T., Jike, V. T., Adeoti, V. I., Olaitan, R. T., & Aderele, S. A. (2024). Socio-economic and infrastructural challenges as determinant of food security among rural farmers in Delta State, Nigeria. Journal of Interdisciplinary Research in Education, Social Sciences and Arts (JIRESSA), 1(2). Retrieved from https://www.nigerianjournalsonline.com/index.php/JIRESSA/article/view/4735

Ahmadi Dehrashid, A., Bijani, M., Valizadeh, N., Ahmadi Dehrashid, H., Nasrollahizadeh, B., & Mohammadi, A. (2021). Food security assessment in rural areas: Evidence from Iran. Agriculture & Food Security, 10(17), 1–18. https://link.springer.com/article/10.1186/s40066-021-00291-z

Bala, B.K. Alias, E.F. Arshad, F.M., Noh, K.M., & Hadi, A.H.A. (2014). Modelling of food security in Malaysia. Simulation Modelling Practice and Theory, 47, 152–164. https://doi.org/10.1016/j.simpat.2014.06.001

Barati, A. A., Kalantari, K., Gholabifar, J., & Zhoolideh, M. (2024). Food security among rural communities: Insights from Iran. World, 5(3), 737–750. https://doi.org/10.3390/world5030038

Food and Agriculture Organization of the United Nations, International Fund for Agricultural Development, United Nations, International Children's Emergency Fund, World Food Programme, and World Health Organization. (2023). The state of food security and nutrition in the world 2023: Urbanization, agrifood systems transformation and healthy diets across the rural–urban continuum. Rome, Italy: Food and Agriculture Organization of the United Nations. 316 pages. https://doi.org/10.4060/cc3017en

Food and Agriculture Organization of the United Nations, International Fund for Agricultural